

مکتی براستدلال اسقاط خوران

بخش سوم

حالا فرصت آنست تا بدانیم که دلایل اسقاط خوران برای تطبیق و ترویج این بدعت آشکار چیست؟

1 میگویند دوره قرآن و اسقاط به همین شیوه که در افغانستان معمول است، در زمان صحابه کرام نیز معمول بوده است. حالابیاید این دلیل غیر علمی ایشانرا مورد تفحص قرار دهیم. دراصل این ادعای بی بنیاد ایشان بنابه چنددلیل ساده عقلی و منطقی غیرقابل باور و مردود است چنانچه اصلاً هیچ حاجت به جروبحث زیاد واقامه آیت و حدیث برضد این ادعا باقی نمیماند. بدلیل اینکه:

نخست از همه به همگان معلوم است که قرآن به شکل نهایی در زمان خلیفه سوم حضرت عثمان جمع آوری گردیده که پیش از آن به ترتیب امروز وجود نداشت. هرچند بارنخست در دوره خلافت حضرت ابوبکر این کار صورت گرفت که پس از چندی در اثر بروز اختلاف لهجه باردیگر اصحاب پیامبر در زمان حضرت عثمان به این امر مهم متوجه گردیده برای جلوگیری از بروز فتنه هرچه زودتر و بسیار بموقع در توحید آن اهتمام ورزیدند. ولی این جمع آوری و تدوین به معنای به دسترس قرار گرفتن قرآن به شکل مکتوب به عام مردم و همگان نبود زیرا در آن وقت مردم شدیداً به قلت امکانات و وسایل خواندن و نوشتن مواجه بودند. ازین بابت مردم آنوقت در تمام جهان درخش و نشر دانش و کسب علم بیشتر به روش "به حافظه سپاری" اتکاء میورزیدند و اصحاب پیامبر هم بنا عدم موجودیت وسایل کتابتی و هم نداشتن سواد بیشتر ایشان متکی به روش حفظ و از بر کردن مسایل علمی از جمله قرآن و حدیث بودند. در آن روزگار قدیم چنانچه همه میدانند وسایل کتابت و نوشتن با استفاده از پوست های حیوانات چون گاو، گوسفند و اشتر صورت میگرفت. بهمان تناسب قلم و رنگ هم به شکل قدیمی بوده و بسیار با مشقت میتوانستند سندی را روی کتیبه های مورد نظرشان بنویسند که باین ترتیب نوشتن یک موضوع واضحاً که مصارف هنگفتی را در قبال داشته است. حالا بدور از حقیقت نخواهد بود که یکی از عوامل مهم بیسوادی مردمان آن زمان را به فقدان وسایل سواد آموزی نسبت دهیم. چه آموزش سواد خواندن و نوشتن در هر عصر و زمانی مقتضی وسایل آن چون قلم و کاغذ است که در غیر آن طبعاً که در هوا کسی نمیتواند چیزی بنویسد و یا به دیگران بیاموزاند. آیا حتی در همین شرایط امروزی مامیتوانیم بدون قلم و کتابچه کسی را با سواد بسازیم؟ بهر صورت مسلمانان صدر اسلام بهر ترتیبی ولو با مصارف گزاف و وسایل نوشتاری را بخاطر جمع آوری قرآن تهیه نمودند. البته فراهم آوری این وسایل در زمانیکه اسلام آهسته آهسته به یک

ابرقدرت جهانی مبدل میشد، در زمان گسترده‌گی و اوج شگوفایی سیاسی و نظامی خصوصاً در زمان حضرت عثمان کار دشواری نبود. ولی قبل بر آن در زمان خود عصر پیامبر که در آن زمان مسلمانان در عصر غربت و دفاع زندگی میکردند، طبعاً که کار دشواری بوده است. از همین لحاظ بنابه قلت و کميابی وسایل نوشتاری مسلمانان بیشتر به روش از بر کردن و حفظ کردن مسایل علمی بخصوص آیات و احادیث نبوی مبادرت میورزیدند. چون فقدان یک وسیله باعث رشد جاگزین و وسیلهء بديل آن میگردد همانند وجود انسان که در فقدان بینایی سایر حواس او چون حس لامسه، حس شنوایی، حس بویایی و حس ذایقه او بالاتر و قویتر از انسانهای عادی سالم فعالیت میکند. حالا با دانستن این واقعیت تاریخی میتوانیم ادعای ایشان را رد نموده استدلال کنیم که دوردادن قرآن در زمان عصر پیامبر بنابه فقدان قرآن به شکل امروز قطعاً وجود نداشته و اگر در آن زمان چند جلد قرآن هم وجود داشته وزن آن به تناسب پوستهای عریض حیوانات و خطوط مخصوص و ابتدایی آنوقت بالاتر از طاقت و توان یک انسان برای حمل سی پاره قرآن در یک وقت و بیکیبارگی بوده است.

بنأ زمانیکه قرآن به شکل سخت افزار چون امروز جز به تعداد اندک به وفرت وجود نداشته پس از کجا میتوانیم این دلیل بی پشتوانهء ایشان را بپذیریم که در آن وقت این عمل صورت گرفته است. زیرا گفتیم که در آن زمانه ها قرآن به شکل امروزی مدون ترتیب و تنظیم نشده بود بلکه بیشتر در قلب های مردم بوسیلهء ممارست و تکرار کردن ایشان حک گردیده بود. بنأ چون در آن زمان قرآن به شکل امروزی با این حجم و وزن سبک وجود داشت طبعاً که چرخانیدن و دوردادن آن هم قطعاً وجود نداشته و حتی گفته میتوانیم که اصلاً در ذهن کسی هم خطور نکرده است. پس صغری و کبری این قضیه منطقی این نتیجه را برای ما میدهد که چون این عمل در زمان پیامبر وجود نداشته و هرگونه عمل مرتبط با دین و شریعت که در زمان پیامبر عملی نشده بدعت است پس چرخانیدن قرآن و اسقاط نیز بدعت آشکار است. البته که اسقاط خوران درین قسمت این نکته را خودشان اعتراف میکنند که این عمل در زمان عصر پیامبر قطعاً عملی نشده بلکه میگویند در زمان عصر صحابه صورت گرفته و چون اعمال اصحاب پیامبر هم بنا به نزدیکی ایشان به عصر پیامبر برایما حکم سنت را دارد، پس ما آنرا سنت میگوییم!!!؟؟؟ پس افترای اصلی شان اینست که میگویند در زمان اصحاب پیامبر این فعل اتفاق افتاده است حالانکه این دلیل آنقدر سست و بی بنیاد است که بخودی خود سقوط میکند و حتی حاجت به یک پف کردن هم ندارد. زیرا عصر صحابه دنبالهء طبیعی همان عصر پیامبر است که فقط چند سال میان ایشان تفاوت وجود داشت و اساساً نمیتوانیم صرف با گذشتن چهل و یابنجاه سال محیط و ماحول ایشان را با عصر پیامبر کاملاً متفاوت و شامل کدام انقلاب صنعتی بدانیم. نه تنها اعراب بلکه تمام مردم جهان آنروز وسایل صنعتی شان به شکل نهایت ابتدایی بوده است و این حالت حتی تا چند قرن ادامه داشته است.

بیا بیاید این شک ایشان را هم بر طرف کنیم تا دیگر هیچ تردیدی باقی نماند. دربارهء زمانی صحبت کنیم که قرآن به شکل نهایی و به اتفاق همهء اصحاب پیامبر جمع آوری و مکملأ به رشتهء تحریر درآمد. حتماً این پرسش به میان میآید که آیا زمانیکه قرآن به شکل نهایی و مکمل آن جمع آوری گردید، نسخه های نوشته شده آن همانند عصر فعلی به آسانی در دسترس هر شخص و هر خانوادهء مسلمان قرار داشت؟ بسیار غیر منطقی و حتی حضيض ترین نقطهء جهالت خواهد بود که کسی بگوید بلی. زیرا وقایع تاریخی این نکته را میسرسانند که پس از آن هم مسلمانان آنروزگار نسبت قلت وسایل و ضعف اقتصاد بیشتر به روش

حفظ و از برکردن اتکاء داشته و قرآن های نوشته شده فقط در خانه های افراد مهم و بلندمرتبه، اشخاص ثروتمند و جاهای مهم برای تجمع مسلمانان مانند مساجد نگهداری میشد و بقیه مردم اصلاً این توانایی را نداشتند که به صدها جلد پوست حیوانات را خریداری و یا هم در خانه های شان نگهداری کنند. چرا باید زیاد دور برویم، بیایید به دور و بر خود نگاه کنیم. در همین کشور خود ما چندسال پیش در اثر ضعف اقتصاد در اکثر خانواده ها اصلاً قرآن پیدا نمیشد، و کسانی که اگر در خانه شان یک جلد قرآن هم میداشتند، آنرا از ترس پاره شدن و آسیب رسیدن از دسترس همه دور نگهداشته در بالاترین نقطه منزل شان در یک طاقچه بلند نگهداری میکردند و بخاطر حفظ و نگهداشت بهتر آن از گزند تخریب در هفت رخت و تکه آنرا میپوشاندند و اینها همه بنابه ضعف اقتصاد و عدم دسترسی مردم بود.

ولی زمانی که چرخ کارخانه های تولیدی و طباعتی در قرنهای بعدی بکار افتید، آنوقت بود که در عرصه چاپ و تدوین کتاب انقلاب عظیمی برپا شد و سهولتهای بیشماری برای انسانهای بوجود آمد. چنانچه دیگر کتابت از نوشتن روی پوست حیوانات بکلی برآمد و یکی از این سهولتها سبک شدن و خوردن شدن کتاب از نگاه عرض، طول، ضخامت، وزن و حجم بود. تا جاییکه ضخیمترین کتابها که قبلاً حتی یک شتر و یا یک مرکب بار آن را برده نمیتوانستند، به برکت صنعت و تولید کاغذ در داخل چند جلد کوچک و یا هم یک جلد آنهم باندازه خیلیها سبک چاپ آن میسر گردید. دیگر انسانها ضرورت نداشتند که پوست حیوانات را دباغی نموده روی آن چیزی بنویسند. امروز ما بوضوح شاهد یک انقلاب بزرگی در عرصه چاپ و نشر کتاب هستیم. در حالیکه اکنون شکل دیگری نشر کتب بگونه نرم افزار نیز بر آن افزود شده که سرعت انتشار کتاب، اطلاعات و معلومات را چندین برابر ساخته است. با این روش حالا انسانها بالاتر از ده هزار کتاب را در داخل سامانک چوچه بی باندازه یک ناخن جاداده سپس آنها را در داخل رایانه شان منتقل ساخته و از آن استفاده میکنند. بهمین خاطر حالا دیدگاه های وجود دار دکه اکثر کشورهای پیشرفته دیگر چاپ کتاب و حمل نقل آنرا یک تکلیف بیجا شمرده نسبت به آن بدبین اند و میخواهند روش تعلیمی مکاتب شانرا با استفاده از نرم افزار کاملاً دگرگون نمایند. ایشان در نظر دارند که دیگر هیچ شاگردی مجبور نباشد، از منزل تا مکتب پستاره از کتاب و کتابچه را با خود هر روز حمل و نقل کند بلکه صرف با داشتن وسایل خورد و کوچک نرم افزار میتواند سبکبار به مکتب بیایند بی آنکه وسایل مصرفی چون قلم، کتابچه و کتاب را هر روز مورد استفاده قرار دهند که استفاده آنها هم اسراف است و هم مشکل. از بحث دور نرویم که موضوع اصلی ما رد دلایل اسقاط خوران مبنی بر ادعایشان در رابطه به چرخاندن قرآن و اسقاط در زمان اصحاب پیامبر بود. در شرایط کنونی بنابه وفرت صنعت تولید کاغذ و توسعه چاپخانه ها برای انسانهای عصر کنونی شاید تصور و فکر کردن بالای این مسأله درد سر آفرین باشد و یک شخص اسقاط خور و یک ملای بیدانش به آسانی برای مردم این فتواری دهد که چرخاندن قرآن در زمان عصر صحابه صورت گرفته ولی هرگاه از این خیراتخوانان این سوال را بگونه علمی و منطقی مطرح کنید که مگر جناب! آیا حجم و وزن سی پاره قرآن و حتی یک سوره متوسط باندازه بود که بتوان همانند امروز آنرا به آسانی بالای دو دست از زمین برداشته و به راحتی در میان افراد دور میدادند؟ آیا شما اینقدر آگاهی ندارید که تولید کاغذ و قلم های لطیف و ظریف که نوشتن را برای انسانهای امروزی خیلیها آسان نموده در آن روزگار وجود نداشت، طبعاً که در برابر پرسش تان جا میمانند. در کتاب قرآن شناسی تألیف پوهاند شهرانی درباره وسایل کتابت در زمان عصر صحابه میخوانیم: چون در آن روزگار کاغذ

بوفرت سراغ نمیشد، لذا آیات و سوره های نازل شده بروی اشیای ذیل نوشته میشد: 1 پوست حیوانات که بعد از خشک شدن وزایل نمودن چربی آنها مورد استفاده و نوشتن آیات قرار میگرفت.

2 پارچه های سنگ شفاف و نازک که صلاحیت نوشتن را دارا میبود.

3 استخوان شانه های اشتر، گوسفند، بز و غیره را پاک نموده بعد از آن آیات را بالای آنها مینوشتند.

4 لیف خرما

5 تخته های چوبی که قابل استفاده میبود. (قرآن شناسی، ص 33، مؤلف پوهاند نعمت الله شهرانی).

همچنان در کتاب "الفضایل القرآن" یکی از اصحاب پیامبر بنام زید ابن ثابت دربارهء مرحلهء اول نوشتن و جمع آوری قرآن که در زمان حضرت ابوبکر رخ داد، خاطرهء خود را چنین حکایه میکند: پس از پذیرفتن امر ابوبکر بخاطر جمع کردن آیات قرآن اقدام نمودم و آنها را از نزد اصحاب پیامبر که دروسایل مختلف چون پوست خرما، سنگهای شفاف و نازک و حافظه اصحاب پیامبر بود، جمع میکردم و این قسمت سورهء توبه را- لقد جاءكم رسول من انفسكم نوشتهء آنرا بگونهء تحریری تنها در نزد ابوخریمهء انصاری یافتم. (فضایل القرآن، ص 8)